

گزارشی از افزایش یک پدیده نامشروع

## قمار بازها اینچاچه می کنند؟!

مینا  
حقی مقدم

اینجا در میان هیاهو و صدای وسایل بازی و داد و فریادهای مردم، چرخش دسته دستگای عجیب روی صفحه‌ای که اسکناس‌های ۱۰ هزار تومانی و ۲ هزار تومانی چیده شده و همچنین قطعاتی که هر کدام مؤید یک قیمت هستند، شما را بر آن می‌دارد تا لحظه‌ای بایستید و با خرج یک اسکناس ۵۰۰ تومانی شانس خود را بیازمایید یا در دستگای دیگر با انداختن چندین و چند سکه ۵۰ تومانی، به امید کسب سکه‌های بیشتر از دستگای بازی باشید. امیدی که خیلی‌ها را به امید کسب پول بیشتر با زحمت کمتر و البته کمی شانس، ساعت‌ها در یک روز تعطیل مشغول می‌کند.

اینجا پارک شهر است و البته خیلی از افراد با جا گذاشتن پول خود و با آرزوی اسکناس‌های رنگارنگ آن را ترک می‌کنند. زوج جوانی به گزارشگر اجتماعی «جوان» می‌گویند: «اول خیلی ساده به نظر می‌رسید، فکر می‌کردیم دستگای با احتمال یک چهارم، پولمان را برمی‌گرداند اما مبلغ ۲ هزار تومان سکه ۵۰ تومانی به این دستگای انداختیم، و تا الان حتی یک ۵۰ تومانی هم به ما برنگردانده است!»

در سویی دیگر زن جوانی با اعتماد به نفس می‌آید و در دستگای دیگر با فشار دکمه‌ای، گیره را به مورد ۲ هزار تومانی می‌زند و خوشحال و شاد، پولش را می‌گیرد و می‌رود و افرادی که پول خود را رباخته‌اند با حسرت خاصی نگاهش می‌کنند!

### کیفتان را بیابید!

اگر تا به حال صبح‌ها یا هنگام غروب، گذر تان به ترمینال‌های بین شهری (جنوب و غرب) یا حتی زیر پل سیدخندان در پایتخت و میادین شهرستان‌ها افتاده باشد، مردم بسیاری را می‌بینید که سرگرم مردی هستند که با تردستی و رقی را جابه‌جا می‌کند و از اطرافیان می‌خواهد تا حدس بزنند و جالب اینجاست که قصه تکراری داد مردی از آن میان و فریادش «تو داری قلب می‌کنی یک بار دیگر تکرار کن» را بارها و بارها می‌شنوید و اگر بدشانس باشید حتی اگر در این بازی شریک نشوید، لااقل یک بار کیف پولتان را از دست می‌دهید!

### درد بی‌درمان شانس‌گرایی از نوع حرام

این روزها در حالی گرایش به انواع مختلف قمار را در جامعه و به خصوص اماکن عمومی و پارک‌ها به طور رسمی و آشکار شاهدیم که بسیاری از افراد از شیوع آن در جامعه ابراز نگرانی می‌کنند. محمدعلی نجفی، عضو کمیسیون عمران شورای اسلامی شهر تهران نیز در این زمینه با انتقاد از افزایش قماربازی در پارک‌ها می‌گوید: «این مسئله زینده نیست و در این خصوص باید تدابیر خوبی اتخاذ شود.» همچنین ابراهیم قرانی‌مقدم آسیب‌شناس اجتماعی در این باره به گزارشگر اجتماعی «جوان» توضیح می‌دهد: اصولاً انسان در جست‌وجوی چیزهای جدید است و دوست دارد آن‌ها را به دست بیاورد. این مسئله جهانی و فراگیر بوده و یکی از ابزار سرگرمی است؛ البته افراد ورزق‌باز کنار کوچی و خیابان، دسته و باندهای گروهی کلاب‌های هستند که مبادرت به فریب افراد ساده می‌کنند که آگاهی لازم ندارند. افراد ساده‌لوح به امید اینکه هم از لحاظ اقتصادی و هم حیثیتی، پیروز شوند، در این میان بازی می‌خورند.

این آسیب‌شناس اجتماعی و وسایلی که در پارک‌ها وجود دارند را برای پر کردن اوقات فراغت و توان‌آزمایی فرد در شناسایی احتمالات، مفید می‌خواند اما به شرطی که به طور درست اجرا و استفاده شوند. قرانی‌مقدم می‌گوید: بسیاری از دستگای قمار به نوعی فریب‌کاری هستند چرا که برخی در این میان ضرر و عده‌ای سود می‌برند و عده‌ای کلاش و فریبکار با فریب اشخاص باعث می‌شوند تا مردم پول خود را ببازند که باید جلوی این فعالیت‌ها از سوی مسئولان مربوطه گرفته شود.

به هر حال، باید به حال این شرایط فکری کرد؛ هم خانواده‌ها باید تدبیر کنند هم دولت‌مردان چرا که ریشه بسیاری از مفاسد، بیکاری است.

### همکار ما باشید

مخاطبان و همراهان ارجمند، عکس‌ها و تصاویری را که خودتان از سوزنه‌های شیرین و تلخ، زشت و زیبا، طبیعی و غیرطبیعی، باید و نباید، دغدغه‌ها و گزینه‌هایی از این دست گرفته‌اید برای ما بفرستید تا به نام خود شما در شهر هشتم منتشر شود. لطفاً همراه و همکار ما باشید که همیشه کار گروهی بهتر جواب می‌دهد. عکس‌های خودتان را به آدرس پست الکترونیکی Social@javanonline.ir ارسال فرمایید.



Email: Social@javanonline.ir

در حال حاضر یکی از پسرهای من مستاجر است و اینطور نبوده که ۲ میلیارد تومان در حسابم پول بوده یا ۳۰۰ خانه داشته‌ام و یکی را داده‌ام. برای انجام کار خیر لازم نیست پولدار باشی؛ فقط باید در نیت و عمل اخلاص داشت.

به جز آنچه وقف کردم یک باب منزل مسکونی دیگر هم دارم که با خانواده‌ام در آن ساکنم. من از قشر متوسط جامعه هستم و آدم دارایی‌نیستم. اعتقادم این است که هر کس به اندازه توان خود می‌تواند کار خیر انجام دهد و برای انجام کار خیر کمیت ملاک نیست، کیفیت مهم است.



گفت و گو با واقعی که دارایی‌اش را وقف پیشبرد هسته‌ای کرد

# ۱۰۰ میلیون تومان فدای یک تارموی انرژی هسته‌ای!

دیباچی: آدم ثروتمندی نیستم

می‌خواستم با علی دیباچی، پیمانکار بازنشسته، ۵۲ ساله، ساکن گراش، شهری از جنوب استان فارس صحبت کنم. مردی که می‌توانست دارایی‌اش را صرف رفاه بیشتر زندگی‌اش کند، اما ترجیح داد آن را وقف کند؛

وقف برای پیشبرد تحقیقات هسته‌ای کشور؛ هر چند این کارش مورد تقدیر رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی کشور قرار گرفت، اما وقف هسته‌ای او توانسته پیام صلح و دوستی و علم‌پروری دیگری از مردم ایران به جهان را در تاریخ ثبت کند. گفت‌وگویم را با او که به قول خودش در حد سیکل سواد دارد و پدر هفترزند است، آغاز می‌کنم. شرح باقی ماجرا را به خودش می‌سپارم.

نفسه  
ابراهیم زاده  
انتظام

### آقای دیباچی! مورد وقتان چیست؟

یک واحد آپارتمان در حدود ۹۰ مترمربع با ارزش ریالی ۱۰۰ میلیون تومان است که در یک مجتمع تجاری-مسکونی در کنار مسجد صاحب‌الزمان شهرستان گراش واقع است.

### چه موقع اقدام به وقف این واحد مسکونی کردید؟

در فروردین ۹۱ وقف صورت گرفته است.

انتگیزه شما از این اقدام چه بود و آیا شهادت دانشمندان هسته‌ای کشور بر تصمیم شما تأثیر داشت؟

الان دنیا روی قضیه هسته‌ای به کشور ما فشار می‌آورد؛ در حالیکه این حق مسلم هر کشوری است که انرژی پاک هسته‌ای داشته باشد. از طرفی رهبر و دولت هم با اقتدار از حق مردم دفاع می‌کنند. مردم هم از هر قشر از نخبگان و مسئولان کشور در این راه حمایت کرده و می‌کنند. ولی وقف به دنیا نشان می‌دهد مردم از نظر مالی هم برای رسیدن به هدف و حق خود دریغ نمی‌کنند. وقتی دانشمندان و جوانان ما جان و خون خود را برای این مسئله می‌دهند، در مقابل کار من بسیار کوچک است و قابل توجه و بحث نیست. منتهای نظر عقیدتی حرکت جدیدی است. من دیدم در تمام موارد وقف وجود دارد؛ حتی داشته‌ایم موقوفه‌ای که برای این وقف شده که عایداتش صرف خریداری علوفه و غذا در زمستان برای حیوانات بیابان شود تا اگر گرسنه نمانند. اسلام به ما اینطور یاد داده است. کار من که ران ملخی نزد سلیمان بزند است.

### قبل از این هم وقف داشته‌اید؟

نه قبل از این وقتی نداشتم.

### وقف کردن چه حس و حالی دارد؟

وقف، بقایات الصالحات و صدقه جاریه‌ای است که در قرآن آمده و از علمی که مردم از آن بهره ببرند تا فرزند خوبی که اهل سعادت باشد یا بنیه خوبی که مردم از آن بهره ببرند را شامل می‌شود. وقتی به زیارت پیامبر اکرم (ص) در مدینه منوره می‌رویم، نزدیک مسجد شجره، بئر علی (ع) است. یعنی جاهایی که علی (ع) حفر و برای کشاورزی وقف کرده است. این سنت هم باید مثل سایر سنت‌ها احیا شود. با وقف در تمام موارد، خیلی از مشکلات قشر ضعیف مرتفع می‌شود. آن روزها چاه و زمین نیاز بود، امروز نیاز چیز دیگری است. کسی که زمان خود را بپوشاند و به فرمایشات ائمه (ع) نیز توجه کند، می‌تواند در مسیر احیای این سنت‌ها درست کمک کند. این اعتقاد قلبی من است که کار قابل توجهی نکرده‌ام که خیلی راضی‌ام کند. در شهر ما آدم‌های متمکنی هستند که میلیارد‌ها صرف ایتم و حسینیه‌ها



و اینطور نبوده که ۲ میلیارد تومان در حسابم پول بوده یا ۳۰۰ خانه داشته‌ام و یکی را داده‌ام. برای انجام کار خیر لازم نیست پولدار باشی؛ فقط باید در نیت و عمل اخلاص داشت.

### با این حساب خانواده با اقدام شما مخالفت نکردند؟

نه؛ خانواده مخالفتی نکردند. وقتی خدا می‌گوید هر کس نیت خوب داشته باشد خدا کمکش می‌کند، من چرا شک داشته باشم؟! خدا کریم و بزرگ است و برای فرزندان من هم می‌رساند. اینها هم خدایی دارند و حتماً تا ۶ ماه، یک سال دیگر صاحب خانه می‌شوند.

### انتظار تان در قبال این وقف چیست و دوست دارید چگونه مدیریت شود؟

این واحد مسکونی وقف کامل شده و اختیار سازمان انرژی اتمی ایران است تا هر جور صلاح می‌دانند استفاده کنند. در مورد این موقوفه از خودم خلع ید کرده‌ام، اما ممکن است بخواهم تولیت آن را بر عهده بگیرم یا نظارتی کنم. ممنونم که وقتتان را در اختیار «جوان» گذاشتید.

من هم سپاسگزارم. دعا کنید خدا بپذیرد.

صحبت‌هایم که با آقای دیباچی تمام می‌شود، به این فکر می‌کنم که دنیا در انرژی هسته‌ای به چه می‌اندیشد، مردم کشور ما به چه می‌اندیشند؟! چقدر فرق است میان دنیای ما با همه دنیای دنیا و آنها باز هم در محاسباتشان دچار اشتباه شدند. به راستی آنها از تورور دانشمندان ما این انتظار را داشتند که از هر گوشه این ملک و سرزمینی ما جان و مال خود تمام قد در دفاع از حق مسلم دستیابی به انرژی هسته‌ای بایستند؟

و مسجد جمکران می‌کنند، در امریکا و فیلیپین مسجد درست می‌کنند، یا کارهای خیر دیگری انجام می‌دهند که کار من در مقابل آنها هیچ است. منتها عقیده دارم هر کس به اندازه بضاعت خود باید کار خیر انجام دهد. ما شرمند خون شهدا هستیم که نمی‌توانیم بیش از این کمکی کنیم. اینکه انسان کار خیری انجام دهد اول خودش خوشحال می‌شود و به آرامش می‌رسد و این به خلوص نیت شخص برمی‌گردد. برای من هم تأثیر خوبی داشته است، مخصوصاً اینکه بعد از انجام این کار شنیدم ۲۵ مورد وقف در زمینه انرژی هسته‌ای در کشور صورت گرفته است. اینکه با کار من دیگران به این کار خیر تشویق شده‌اند من را خوشحال می‌کند و امیدوارم ذخیره‌ای برای شب اول قبر و آخرت‌مان باشد و ان شاءالله مورد توجه صاحب‌الزمان قرار بگیرد.

### همچنین در روز ملی فناوری هسته‌ای آقای احمدی نژاد و آقای عباسی رئیس سازمان انرژی اتمی من را تشویق کردند. از این طریق می‌خواستم بگویم قابل این همه تقدیر و تشکر نبودم و از این دو بزرگوار تشکر می‌کنم.

### شما آدم ثروتمندی هستید؟

به جز آنچه وقف کردم یک باب منزل مسکونی دیگر هم دارم که با خانواده‌ام در آن ساکنم. من از قشر متوسط جامعه هستم و آدم دارایی‌نیستم. اعتقادم این است که هر کس به اندازه توان خود می‌تواند کار خیر انجام دهد و برای انجام کار خیر کمیت ملاک نیست، کیفیت مهم است. ممکن است هزار تومان یک نفر نزد خدا با ارزش‌تر از چند میلیارد باشد. اگر نگویم که امرار معاش خانواده‌ام با مشکل مواجه است، خیلی هم خوب نیست و جزو پولدارهای گراش نیستیم. در حال حاضر یکی از پسرهای من مستاجر است

سیستم هوشمند پرداخت حق بیمه و حقوق حلال مشکلات است

## مناظرات و مشاجرات کارفرما و کارگر

کارفرما حق دارد که وقتی کسی را استخدام می‌کند بداند او تا چه میزان وجدان کاری دارد، منظم و وقت‌شناس است. برای این مطالبه کارفرما، می‌توان سیستمی ایجاد کرد که کارگران به وسیله بازنده‌های منظم و نامنظم رتبه‌بندی شوند، آن هم بر اساس وجدان کاری، نظم، مهارت، هوش، سواد و بسیاری از خصوصیات دیگر که سازمان‌های مسئول به راحتی می‌توانند کنترل کنند؛ مثلاً کارفرما بداند کسی را که استخدام می‌کند آیا به موقع بر سر کار قبلی حاضر می‌شده یا نه، کارش را درست انجام می‌دهد یا نه؟ این کار باعث می‌شود که کارفرما با چشم باز اقدام به انتخاب نیروهای پیش‌کنند و کارگران هم بدانند نوع کار کردن در محل فعلی در آینده آنها مؤثر است و با احساس مسئولیت و نظم می‌توانند رتبه بهتری را کسب کنند. که حقوق و مزایای بیشتر توسط کارفرما را به دنبال دارد. سازمان‌های مرتبط هم می‌توانند با امتیاز قائل شدن برای کارگران با رتبه بالا مانند بیمه تکمیلی و معرفی به کارگاه‌هایی با شرایط بهتر کاری به تشویق کارگران اقدام کنند و کارگرانی هم که متأسفانه کار را جدی نمی‌گیرند با مشکلاتی مواجه شوند. مثلاً اگر قرار داد یکساله دارند و نمی‌خواهند به قولشان عمل کنند و تا پایان قرارداد به کار ادامه دهند از طریق بیمه‌شان جریمه شوند؛ یعنی حق بیمه‌های پرداخت شده قبلی نوعی ضمانت ایجاد کند و تا مدتی نتوانند در جایی دیگر به کار مشغول شوند و اگر هم خواستند جایی کار کنند کارفرما از خلف وعده آنها در شغل قبلی مطلع شود تا بتواند با چشم‌باز کارگرش را انتخاب کند تا کارگر هم به راحتی دست صاحب کار را در حنا نگذارد!

سازمان‌های مرتبط می‌توانند سیستم هوشمند پرداخت حقوق و حق بیمه کارگران را طراحی کنند. مثلاً می‌توانند با ایجاد حسابی مثل حساب پرداخت پارانها، اقدام به پرداخت حق بیمه و حقوق کارگران کنند؛ با این کار چون همه پرداخت‌ها الکترونیکی است و ثبت می‌شود اولاً حقوق این قشر زحمتکش کامل و قانونی پرداخت می‌شود و دیگر کارگری نمی‌آید شکایت کند که حقوق نگرفته و کارفرما بگوید که داده‌ام!

ثانیاً صاحبکار باید در وقت مقرر حقوق را به حساب سازمان واریز کند چون طرف حسابش دیگر کارگری نیست که از ترس اخراج و بدتر شدن شرایط کار مجبور به سکوت و صبر باشد؛ البته حتی اگر سیستم پرداخت و نظارت هوشمند هم نباشد و کارفرما حقوق را به حساب کارگر واریز کند باز هم وجود سیستم هماهنگ پرداخت حقوق و حق بیمه با توجه به امکان اطلاع‌رسانی به دولت در صورت عقب افتادن پرداخت حقوق برای بررسی و حتی محاسبه جریمه دیرکرد به نفع کارگر می‌تواند بسیاری از مشکلات را حل کند.

ثالثاً کارفرما که قرار است چرخه کار و تولید و خودکفایی را بسازد به حرکت دربیاید باید رابطه‌اش با کارگر مانند جاده دو طرفه باشد و هر امتیازی که می‌دهد امتیازی بگیرد تا توان حرکت به جلو داشته باشد. شاید بتوان صندوق بیمه‌ای تشکیل داد که در صورت متضرر شدن کارفرما به دلیل کوتاهی، بی‌دقتی و غیبت کارگر مسئول جبران خسارت باشد.

هستند که متأسفانه مشکلات بسیاری را برای شاغلان بخش تولید و خدمات به دنبال دارد. همین باعث شد به یکی از شعب اداره کار رقم-محل رسیدگی به اختلافات بین کارگر و کارفرما- و به گلایه‌های آنها گوش دادم.

کارگران بیشتر به پرداخت نشدن به موقع حقوق و حق بیمه و اخراج اعتراض داشتند و کارفرماها که غالباً احضار شده بودند و ششای داشتند به غیبت کارگر، بهره‌وری پایین کاری و بی‌نظمی معترض بودند.

کارفرماها در پاسخ به این سؤال که چرا معمولاً چند ماهی طول می‌کشد تا طبق قانون عمل کنند و از روز اول استخدام برای بیمه کارگر اقدام نمی‌کنند، مدعی بودند که معمولاً کارگران در هنگام استخدام تمام شرایط را بررسی نمی‌کنند و بعد از مدتی کارشان را رها کرده و به دنبال کار بهتر می‌روند یعنی درست زمانی که چند ماهی به قول معروف صرف راه افتادن کارگر و شناخت کارشده و کارفرما کم‌کم می‌خواهد از مهارت کسب شده توسط کارگر بهره‌بردار. کارگر ولی می‌کند و می‌رود. به همین خاطر هم، کارفرما برای تشویق کارگر به ادامه کار چند ماهی را برای بیمه کارگر صبر می‌کند تا بعد از کسب مهارت تشویق به ادامه کار شود.

در حال، تأمین اجتماعی و وزارت کار باید بسیاری از این اختلافات را با برنامه‌ریزی درست حل کنند؛ مثلاً کارگر که نمی‌تواند و نباید مشکلات مالی کارفرما را به دوش بکشد، حق بیمه‌اش پرداخت نشود چون کارفرما مشکل دارد یا شاید می‌خواهد مطمئن شود که کارگر واقعاً ادامه کار دارد یا نه.

محمد  
نیکنام

سال‌ها پیش از این، آن وقت‌ها که جوان بودیم و پشت لبمان تازه سبزه شده بود، هر کس به ما می‌رسید می‌گفت: دیگه وقتشه که زن بگیر و ما هم قند مکرر در دل مبارک آب می‌کردیم و نیشتمان را تا پشت گویاز می‌فرمودیم، گوینده هم تا می‌دید فرمایشاتش جدی گرفته می‌شود،

نصایحش را چون در و گوهر بر سر ما می‌ریخت و کار و بیمه را دروازه تشکیل زندگی مشترک قلمداد می‌کرد. بنده هم به جهت تشکیل زندگی، در به در به دنبال کار با بیمه بودم و کل آگهی‌های روزنامه‌ها را زیر و رو می‌کردم آخر کار باقیم آنچه که از تمام یافته‌های عالم مهم‌تر بود؛ بازار یاب آقا و خانم با حقوق مکنفی، پورسنت و بیمه؛ چهار نعل به سوی آدرس ناختم و استخدام شدم. چند ماهی گذشت تا صاحب شرکت قبول کرد که به وعده بیمه شدن من وفا کند و با کلی التماس نام ما را هم در فهرست بیمه رد کرد و رسماً بازار یاب شرکت بخش مواد بهداشتی شدیم. سرتان را درد نیاروم مدتی گذشت و شرکت رو به افول گذاشت و حقوق مان عقب افتاد و مدتی بعد هم شرکت تعطیل و قرار شد چند ماه حقوقمان را بعداً بدهند. ما هم که دلخوشی مان بیمه‌مان بود رفیقیم تأمین اجتماعی برای دریافت بیمه بیکاری که معلوم شد صاحبکار محترم در ۱۲ ماه کار تنها دو ماه برای ما بیمه رد کرده!

در میان دوست و آشنایان من و شما کم نیستند کسانی که با مشکلاتی شبیه این رویه‌رو هستند یا به دلایل دیگر با صاحبکارشان اختلاف دارند و از کارشان ناراضی